



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۷/۱۲

دوکتور محمد اکبر یوسفی

البیرونی (۹۷۳ – ۱۰۴۸ م)

پیشگام علم مذهب!

« بیربل باینهاور – کوهلر»، «فرانکفورت»

(بخش دوم)

یادداشت: ترجمه این مطلب درست بتاریخ ۲۰۱۱/۰۷/۲۴ تهیه و متعاقباً بدست نشر سپرده شده است. اینک پس از تصحیح اشتباهات احتمالی تایپی، به آدرس «آریانا افغانستان آنلاین» جهت نشر مجدد تقدیم است.

در ختم یک جستجوی طولانی، شکلی که تا امروز مشخص است، بروز می کند. خدای «وینسو»، سوار حیوان، بشکل شاهین «گارودا»، نشسته بمثابه نشانه و شاخ های صدف خاص، عراده «لوتوس»، اصولی که باید، به آن احترام (۱۴) شود. وقتی فراموشی انسانی بر تو غلبه کند، چنین تصویری را بدست بگیر، آنچه تو از من می بینی، نور و خوشبویی تهیه کن، این همه را بخاطر یاد و بود من انجام بده، تا مرا فراموش نکنی، طوری که تو فقط مرا در حافظه داشته باشی، تنها بنام من حرف بزنی و تنها بخاطر من عمل کنی.

از این افسانه تاریخی بر می آید، که بر حسب قرینه ممکن با «دیانت-بحاکتی» مطابقت داشته باشد: خدا «وینسو» بوی تیئوری «مونوتایستی» (خدای واحد) را می آموزد و خودگذری کامل در برابر خدای کامل و حاکم، که در قدم اول بشکل میمون مجسم شده است، می طلبد. این استدلال بت پرستی هندی را که البیرونی انتخاب نموده است، مثالی نیست که از ساحت دیانت ساده مردم اتخاذ گردیده باشد، بلکه انعکاس دهنده دید روشنفکرانه و تمایلات اعتقاد به وحدانیت را منعکس نموده است، که با «ویزنونیزم» (یکی از سه سمت اساسی «هندونیزم» در پهلوی «شیوانیزم» و «شاکتیزم» شمرده می شود: مترجم) می تواند یکجا شود. مؤلف ما درین جا تبصره ها و تا جایی هم از انتقاد از پرستش چنین شکل مجسمات میمون مانند («انتروپومورفیزم») ، خود داری نموده است.

اظهارات البیرونی در رابطه با بت پرستی، همچنان دارای مرکبات مذهبی می باشد: چندین مرتبه او از روحانیون و قدرتمندان انتقاد نموده است، که از همچو تمایلات توده های مردم استفاده نموده اند، تا بر آنها اعمال نفوذ خود آنها را بکار برده، سودمند گردند. (۱۵). مبتنی بر همین اصل، همچنان جمله اختتامیه او قابل درک می باشد. مؤلف درین رابطه یک حادثه را از آغاز تاریخ اسلام بازگو می نماید: گفته می شود که گویا نخستین خلیفه اموی (حکومت: ۶۶۱ – ۶۸۰)، مجسمات عیسوی را در جزیره سبیلی غارت نموده، به قیمت سود آور در ولایت سند بفروش رسانیده است.

از احتمال خارج نیست که، نویسنده این بخش را با دقت در ختم توضیح خود قرار داده است، تا آقای محمود خود را و یا جانشین او را، به رویه مسئولیت آمیز در برابر مناطق اشغالی در هند، هوشداری دهد، طوری که از تأریخ می دانیم، از نظر آنها، دور بوده است.

۳. طرق البیرونی در علم امروزی مذهب

شیوه کار البیرونی که ازین دید کوتاه حاصل شده است، یکبار دیگر جمع بندی نموده و در عین حال ارتباط افقی ای را با بحث های هم عصر و همزمان برقرار سازیم.

۳/۱ تشریح بوسیله مطالعه متن و تجربه.

او اساساً بوسیله تحقیق تشریحی متن و تجربه و بالترتیب مشاهدات سهم گیرندگان، کار می کند. جالب درین جا اینست که مقایسه با نسخه هندوئیزم غربی، که صدها سال، اکثراً متمرکز به متن جریان داشته است و مقدم بر همه در رابطه با مسائل علم ماوراء الطبیعه، فلسفه مذهب (بطور نمونه اتنام و برهمن) و شبیه به حلقات پذیرنده مذهبیت، با محک «فلسفی»، متشکل از کاست تعلیم یافته بوده است. اشاره البیرونی در مطابقت دادن برهمن ها با تداخل ماوراء الطبیعه بی تصویر جهان، موازاتی را به شناسائی می آورد.

نخست دردهه های اخیر، علمای مذهب، متمرکز با علوم اجتماعی و فرهنگی، با تشدید اجراءات مذهبی اشتراکی در جهت دید و درک مذاهب، بمثابة کاربرد متقابل مجتمع از اساسات معیاری، در محلات معین مرعی الاجرا (۱۶) داشت. یک نمونه، از «اکسیل میثانیلس»، قابل یاد آوری است که، تجسم و نمایش هندوئیزم را تجربوی بمعرض عمل قرار داده، منجمله مراسم «پوجا» یا به عنوان مثال تعاملات بین البینی کاست ها را در محلات، شرح (۱۷) می دهد.

نزد البیرونی، در همان وقت پدیده های قابل مقایسه، که نتنها برعنعنه تحریری هندو، تکیه می نموده است، مانند کاربرد «پورانا»، بلکه در رابطه با کار تجربوی انجام داده است، که شیوه پیشبرد عملیه مراسم مذهبی با خدایان، بطور صوری بلدیت حاصل نموده، سر صحبت با وابستگان متعدد کاست ها را جست جو نموده است. هم چنان در مباحث و صحبت های امروزی، متمرکز بر تیئوری علایم و مشخصات لسانی، مبنی بر این که آیا «به» هندوئیزم، به نسبت موجودیت سیستم علایم و افاده های مختلف جای داده شده، در آنکشور، بکلی چیزی وجود دارد، باز هم البیرونی در تقسیم دو گانه، اشکال متدین، کم از کم در آغاز، قبلاً فرض می نماید.

۳/۲ مقایسه با قاعده

البیرونی بر طبق قاعده منظم و مقایسوی کار می کند. «یواخیم وخ»، سال ۱۹۲۴ در کار پروفیسری «هابیلیتاسیون» خویش بحیث دومین طریقه بزرگ، ستون مضمون را تعیین نمود (۱۸). این اصول مانند گذشته هم چنان بر حال است، ولو اینکه درین اوقات، موضوع پدیده علم مذهب «مدل» های مختلف را رویکار آورده است، که چگونه مقایسه بین مذاهب باید صورت پذیرد. (۱۹) آنچه همیشه با مشکلات باید مبارزه شود، تا بین طیف «مدل» مانند عام، که خواسته یا نخواستہ دورنمای موضوعات تحت تحقیق را و ازین طریق به «حقایق» سیستم مذهبی حرکت کرد و یا انرا در مشخصات توصیف کرد و از آن طریق با مقایسه نمودن ساختاری و تشکیلاتی و یا بسطح ماورای فرضی، ظاهر ساخت.

ما می توانیم اعلان نماییم که البیرونی هم مقایسه می کند و هم به آن قاعده می بخشد، مشابهنه سطح ماورا را، طرح ریزی می کند. در مبحث رویدست داشته موجود، در جریان توضیحات روی اشکال مختلف دین داری در مذاهب گوناگون: تمایل علمای مذهب و تعلیم یافتگان بسوی معانی تفوق ماورای طبیعت و همچنان توجه معتقدین ساده در امر تصویری ساختن و بت

پرستی. به عنوان مرور کوتاه بر تاریخ دیرینه پیشینیان چنین بخشی از فرضیه‌ها را که بر تفاوت‌های عمومی در دینداری اشاره می‌نماید، حاضر در یونان باستان جای گرفته بود، بطور نمونه در تاریخ نویسی «کولوفون» (۵۷۰ - ۷۰/۴۷۵ قبل از میلاد مسیح)، یا در تاریخ علوم انسانی اروپائی که هنوز هم از جهات زمانی و علم مذهب پیشقدم می‌باشد، می‌توان در آثار «یوهان گاتفرید فن هیردر (۱۷۴۴ - ۱۸۰۳) (۲۰) یافت.

۳/۳ بین عصر و مباحث مثبت گرایی.

نه قبل از «گیراردوس فان لیووف» و افکار منتشره او در رابطه با عصر و دوران (۲۱)، علم جدید مذهب بر مبنای تفکر و اندیشه تئوری شناخت از علت و معلول (یا فاعل و مفعول) را در تحقیقات، برجسته می‌سازد. در عمل بیک «ستاندر» وسیع مبدل گردیده است، تا قضاوت روی ارزش‌ها را محفوظ داشت و مذهب مطالعه شده را قبل از همه با خصوصیت آن پذیرفت تا بتوان دوباره، ارائه داشت. از همه پیشتر کار روی تاریخ مذهب و مطالعات تجربی مذهبیت موضوع روز، هر چه بیشتر برین اصول، آنرا متمرکز می‌گرداند.

در نزد البیرونی شعور و درک قابل مقایسه و قابل شناخت در مفاهیم «ترمینولوژی» درونی مذهب، درست منعکس یافته بدست می‌آید. او هر یک از خدایان را می‌شناسد و نامهای آنها را، چون «ایندرا»، «براهما» یا «نارادا» یاد میکند، که همه در بخش «پوراننا» وجود دارد. این اصل ادعای هندی را مبتنی بر تمایلات وحدانیت و یکتا پرستی به «وینوس» ارتباط داده و در چوکات دیانت - «بحکتی» بحیث «ارباب» («ایسفار») ، التجاء میجویند. درینجا ترجمه مناسب به عربی، «ربا» (۲۲).

مباحث روز علم مذهب از همان زمان به اصطلاح چرخش تعبیر و تفسیر درین جا به انکشاف ادامه داده است. بطور نمونه انعکاس آثار مذهبی - «ایتنی» «کلیفورد گیرتس» یا بعد در اثر «ارمین دلبیو. گیرتس» و یا در مناقشات علم تاریخ در رابطه با مثبت گرایی و تاریخیت (۲۳). اساساً در ضمن یک تصویر دنیائی قبل از تجدد با محتوای مفهومی «پلورالیستی» (جمع گرایی) تحقق می‌پذیرد که درک علمی از یک سیستم تفاهم و احساس، چه بشکل تاریخ مذهب و یا یک مذهب زنده، با همه تلاشها در جهت موضوع تنها ذهنی شکستنده و بدینترتیب تا قسماً فرضی از طریق تعبیرات هر یک از تحقیقات، دوباره ارائه شده بتواند.

البیرونی هم چنان کاملاً بطور شعوری، هم در مطابقت با علم تفسیر و هم دارای برداشت‌های فکری و ذهنی خود، می‌باشد. بدینترتیب اثر هندی را با اندیشه بیگانگی بین هندوان و مسلمانان آغاز نموده، هر دو جانب را محکوم می‌نماید و مدعی است که تحقیقات را دشوار می‌سازند. با اثرات نومیدی و شکست بعد از یک بحث هیجان انگیز درین رشته، با یک برهمن، که از جانب وی نا پاک تشخیص و گویا از غذای بعدی ممنوع شناخته شده است. لیکن بر حسب «نورم» احساس درونی مهمانوازی، باید برخورد دیگری انتظار می‌داشت. (۲۴)

در مجموع موقف فردی و جهانبینی خود را بدرستی واضح می‌سازد. طوریکه در فصل یازده روشن شده است، پیوند فکری خود را با هندوهای تعلیم یافته ابراز می‌دارد، درحالیکه همواره بدون تردد در اکراه و بیزارای خود را، نسبت به بت پرستی مردم، نیز برملا می‌سازد. ممکن یک موقف مشابه بحیث اساس وجود داشته بوده باشد، وقتی زمان دراز در هندو شناسی و پذیرش هند در علم مذهب بیشتر غیر شعوری در فضای آزاد قرار گرفته است و با ظهور عناصر شگفت انگیز در محراق توجه بر مفاخره‌های روشنفکری، قابلیت مخاطب قرار گرفتن را داشته است. نزد البیرونی می‌توانیم مطابق شرایط با تغییر شکل عوامل، بنا بر دلایل آشکارای انعکاس خودی، خیلی محدود تعیین نماییم.

یک آغاز قابل مقایسه انعکاس خودی در گذشته بیشتر از همه متمرکز بشیوه گفت و شنود («دیالوگ») و با نگهداری هستی خودی، علم مذهب را درک نمودن، یا حتی با مهر انتقادی حلقات علمای مذهب کوبیده شده است که فقط تقاضای اشتباه آمیز

«بیطرفی» یا «نیوتراالیتی» علم مذهب را، طالب می‌گردد. «تیو سندرمایر» به عنوان مثال، بجای حرام و قدغن شمردن وابستگی‌های محققین در جهان بینی‌های قدیمی عصر رؤیائی، یک مناقشه‌تجاجمی، بین موقف فردی بر موضوع تحت تحقیق و مذهب مورد مطالعه، بمثابة قدم‌های خودی تیئوری شناخت پیشنهاد می‌نماید. (۲۵) - الیرونی توانسته است در یک طبقبندی دیگری، که در ذیل بطور نمونه، شرح میگردد، از همه اولتر برای یک غیرعالم مذهب یا در خدمت علم مذهب مبتنی بر جهان بینی تنظیم یافته است، که در امر درک مناسب موضوع مبتنی بر سطح مصالح تیئوری شناخت، بمعنی و مفهوم چرخش تفسیری، شرط اولیة خودی را درک و درین شیوه («میتودیک»)، دخیل می‌سازد. زیرا او طوری که می‌دانیم، عالم مذهب اسلامی نبوده است، بازم بحیث مسلمان و دانشمند، جهان بینی معینی را ببار آورده است. در تحقیقات آزمایشی («ایمپیریش» - بزبان آلمانی، «ایمپیریک» - بزبان انگلیسی: برحسب تجربه)، یک چنین انعکاس خودی را بطور مثال، در شیوه‌ها و طرق («میتود») سهامداران مشاهدات یا بنا نهادن نظریه («تیئوری»)، از مدت‌های طولانی سپری شده، بدینسو، عناصری را در انعکاس طریقه و هم‌چنان در آثار، یا کارهای علمی در رابطه با مذهب در همین جهت روبه افزایش می‌باشد. (۲۶)

۴. نتیجه و چشم انداز

بازهم با ملاحظه نزدیکتر، شایان توجه باقی می‌ماند، که تا چه حد در علوم طبیعی و معیاری («ستاندارد») علمی محققین آموزش یافته، در قرون عتیقه، از قریب به هیچ، با کاربرد اندیشه‌های منطقی در جهتی پیشرفت توانسته اند، که از بسیاری جهات بیک علم جدید مذهب و خود کم از کم به مباحث، موضوع روز نزدیک می‌آیند.

الیرونی درمشاهدات دقیق و تجارب تمرین داشته است، او طرق («میتودها») ای را کاملاً آشکارا در مشغولیت با یک مذهب نظیر «هندونیزم» انتقال داده است. او برای ما بشکل قابل مقایسه با انکشاف و اعمار تجارب علم طبیعی خویش، تشریح نموده است. شرایط مشاهدات خود را در هندوستان، که به چه منظور، موقف فکری خود را مبتنی برینکه تجارب او درتماس با هندی‌ها، ارتباط داشته است نیز برملا ساخته، توضیح می‌دهد.

تفاوت تعیین کننده بین علم مذهب او و امروز کمتر در افق افکار مربوط موضوعات تحت تحقیق دیده می‌شود، بلکه در نوع محتوای پیوند‌های تشکیلاتی و تأسیساتی مضمون، نهفته است. الیرونی از تبادل نظر با متخصصین مشابه هم مسلک مضمونی محروم بوده است. از جانب دیگر یک اساس پولی و مالی دوامدار نیز در اختیار نداشته است، تا بر مبنای آن، رد پی سوالات ایجاد شده را، تعقیب می‌توانست.

در ماحول الیرونی مروج و معمول بوده است، تا خود را با مذاهب بیگانه در چهار چوب دفاع علمی («آکادمیک») اسلام، مشغول سازند. (۲۷) عالم مذهب، الشهرستانی (۱۰۸۶م - ۱۱۵۳م) به عنوان مثال، بذات خود، «کتاب ال-ملل و ان-نهال»، «کتاب راجع به گروپ‌های مذهب و فرقه‌های مذهب» نوشته است. کاملاً در آخر، در حقیقت روبه انحطاط یافته ترین، همه مذاهب را از طریق مطالعات ادبیات، بدون طرز دید خود، کثیر المذاهب بودن هند را تشریح می‌نماید. مستقیماً بنابر همین زمینه، با دزدیدن تفاله‌های الیرونی و نیات و برنامه‌های او، قبل از همه هم‌چنان درباره صحبت‌های مستقیم او با «کاست‌های» مختلف هندو‌ها، بخاطر درک مساعد دنیای گوناگون مذهبی هند، بوده است.

دوباره بر میگردیم به اشارات نقل یافته اولی الیرونی، که علوم کسب زیادت می‌نماید، وقتی زمان برایش مساعد باشد. «ایدگار خیلزل» درمطالعات سال ۱۹۷۶م، تحت عنوان «مبادی اجتماعی و علم عصر نوین» می‌نویسد که پایگذاری چهارچوب متداوم ساختار تأسیساتی، بمنظور تعمیم و تمرین علوم جداگانه، باید وجود داشته باشد. خاصاً بدلیل اینکه از عصر جدید بدینسو (از قرن پانزدهم بعد - البته نظرات در مورد آغاز این زمان متفاوت است - مترجم)، درپوهنتون‌ها، محیط عرضه احیای نظم و «دسیپلین» متعدد دیده می‌شود.

این امر تا حدی چهارچوبی داشته است که افکار آزاد می توانست رشد نماید. البته این همه دوباره با دلچسپی ها و منافع بورژوازی ایجاد شده، پیوند عقبی می یافته است که در انتظار استفاده های بی شمار از علم، وعده هایی هم برای خود می بخشیده اند و قشر های وسعت پذیرنده را، دانش پوهنتونی در بر داشته است. البیرونی « علم مذهب» خویش را به پیش می برده است، نه در یک پوهنتون و یا در مربوطات اسلامی آن، چون مدرسه، بلکه خیلی بیشتر در چهار چوب غیر رسمی، متکی برحمایت و تشویق حامی او، محمود غزنه، طوری که در زمره علمای علوم طبیعی آنزمان، بشمول البیرونی، جریان داشته است.

در حال حاضر، در بنیاد تشکیلاتی و تأسیساتی علم مذهب و در ارتباط با آن، بحث های اختصاصی، برخلاف زمان تحقیقات البیرونی فعالانه جریان داشته است، درین وضعیت، برای علم مذهب، فرصتی مساعد گردیده است، تا پدیده ها و طرق خود را دقیقتر تعیین نموده است و در نتیجه افق تیئوریک برایش، انکشاف یافته بتواند. توضیحات «خیزل» قابل درک می سازد که بنابر چه دلیل در ارتباط با آن، علم مذهب همواره سؤالات تشکیلاتی را منعکس می سازد، آنهم پس از نقل مکان نمودن مضمون، در یک پوهنخی علم مذهب (« تیئولوژی») و یا در پوهنخی علوم فرهنگی.

ممکن اوراق («فولی») البیرونی این مباحث را تاحدی به پیش ببرد، بمثابة یک واقعیت ای که از زوایای دید گوناگون، مبتنی بر تحقیقات رویدست گرفته شده، در باره مذهب، همواره از مرز های مضمونی پا فرا تر می گذارد. ما موضعگیری البیرونی را در رابطه با دیانت احساساتی - «بهاکتی»، معتقدین ساده بیاد مان می آوریم. او در مورد موقف اتخاذ نموده، در عین زمان عقیده خود را که از نوع دیگری بوده است، معرفی می دارد. لیکن ما بندرت ادعا خواهیم توانست که او درین موقف ها از موقف یک عالم مذهب اسلامی سخن گفته باشد(۲۹). زیرا او عالم مذهبی نبوده، بلکه استدلال او بر مسیر تقدسات تاریخی کاملاً متفاوت متمرکز بوده است. لیکن از جانب دیگر او خود، بنابر دید سائر هندو شناسان، به هیچ صورت یک مشاهد، بدرت نبوده است، تا حدی به نسبت پیشقدمان ناقص در علم مذهب، فقط بخاطر آنکه مذهبیت خودش را از طریق توضیحات برملا ساخته است، برخلاف این امر مشاهدات او را بخوبی، قابل برآورد می سازد.

نسبت دادن ها و حواله نمودن اتهامات غیر واقعی مکرر، و هویت دادن بیطرفی (« نیوترالیتی») جهان بینی و علم مذهب از یکطرف و علوم الهیات و اظهارات ذهنی عقاید از جانب دیگر، بمعنی یک تفاوت ساده از دورنمای « بیرونی» و «داخلی» خیلی کوتاهی می گیرد. بدینترتیب سؤالی هم در رابطه با توضیح مناسب و مساعد از آنچه مشاهده شده است، توأم با رسیدگی با بررسی ها و اندوخته های خودی، بخاطر مرتبط ساختن شناسائی های قابل درک، مستقل از علم مذهب، به همان پیمانانه بخوبی و بدون مناقشه کارخالص علم فرهنگ توسط علمای بخش نژاد شناسی انجام یافته است، که خود در تحقیقات ساحوی در باره سیستم فکری، بیگانه صورت گرفته و تجارب علمی، گرد آوری شده است. همانا، «کلیفورد گیتس» با کار برد مقدماتی اهداف زبانشناسی «ایمیک» و «ایتک» (بطور پسوند اسامی کار گرفته می شود.) با سؤال مبنی بر دورنمای داخلی و خارجی جدا از همدیگر، متحداً با سؤالی که در بخش فرهنگ بسطح عالیتر قرار می گیرد و در انجام هر دو شکل در یک تحقیق پر بار مقابل خواهند گردید.(۳۰)

این سؤال هم چنان در چهارچوب مضمون علم الهیات مطرح شده می تواند، بخصوص در مناسبت های مشابه و نسبت های وابسته به علم تاریخ به پیمانۀ وسیع و نظم و «دسپلین» تاریخ کلیسایی، منابعی که در رابطه با حقیقت گذشته همچنان از بیرون نیز تقرب صورت می گیرد، اینکه یا بر مفاهیم عقیدتی و یا بطور انفرادی بر معتقدات متمرکز بر دورنمای داخلی بکار انداخته شود. یک موضوع دیگر اینکه چه در چهارچوب مضمون و یا موضوعات تحت بحث در خارج از پوهنخی که میشود با علامات و سمبول های لسانی پیوند داشته باشد و با آغاز از منابع لسانی و فلسفی امروز هم در علم مذهب و هم در علوم اجتماعی و علوم الهیات اثر گذارد. بناً تنها از دیدگاه چنین مورد درین مقطع مباحث طرق و «میتودها» بدست می آید، که چه در چهار چوب

مضمون و چه در خارج از پوهنخی موجود می باشند. نقاط اتصال با چنین مباحثات داخل نظم و دسیپلین، از دسیپلین تا دسیپلین تا حدی متفاوت بوده، همچنان مانند همیشه، یعنی چه قبل و چه بعد، تفاوت های عالی در مشخصات مربوط به دورنما وجود دارند: علم الهیات می گوشت تا یک دورنمای «ایمیک» را در ساحات تحقیقاتی داخل سازند، در حالیکه علم مذهب در تلاش است، تا در صورت امکان روی طرح و ساختار مقدماتی کار کنند، تا فاصله ایرا با موضوع ایجاد نماید.

این پیوند از جهت تشکیلاتی علم مذهب بمعنی آنست که - یک دورنمای تحمل و پذیرش متقابل را تقاضا می نماید - اصولاً هم از نگاه علم فرهنگ و هم از جهات مضمون علم الهیات وجود داشته می تواند و در هر دو ساحه کم از کم قسماً مباحثات مسلکی قابل انتظار خواهد بود.

معهداً مثال «البیرونی»، بر حسب تحقیقات «علم مذهبی» او، که بدون پیوند های آکادمیک صورت پذیرفته ست، موجباتی را فراهم ساخته است تا بصورت خیلی اساسی فکر شود، آنهم مبتنی بر واقعیت هائی که، علم مذهب از زمان اساسگذاری آن قریب بیش از صد سال، نه در همه جا مطمئن و مصنون می باشد. بر طبق تقاضاهای کلی پوهنتونی و در ساحه مناطق آلمانی زبان حتی رو به عقب روی است. صرفنظر از اینکه در تضاد با رشد تعداد مشغولین تحصیل در خارج از مناطق قرار دارد. در برخی از محلات، در بخش جریان تحصیل و تدریس تقلیل بمشاهده می رسد. این امر به ارتباط تشکیلات انتقال در بخش علم فرهنگ و برنامه های «ماستری» بمشاهده می رسد. در جا های دیگر علم مذهب در رابطه با انکشافات جدید در ابتدا با دورنمای بیگانه با مضمون، متکی بر لزوم موضوعات مهم اجتماعی ایجاد گردیده بود. به عنوان مثال در رابطه با اسلام در آلمان. اگرچه پیوند آکادمیک - مانند زمان «البیرونی» - فرضیه ای برای موجودیت تحقیقات علم مذهب نیست، اما برای تقویت آن مانند همیشه در چهارچوب پوهنتونی و حمایت کنندگان مالی و اخلاقی آن، بخاطر استفاده اجتماعی از آن، به عنوان، یک علم مستقل مذهب شناخته شود.

- (۱۴) «زخاو» ۱۸۸۷م، ۵۵
- (۱۵) مقایسه با «زخاو» ۱۸۸۷م، ۵۳، ۵۴، ۵۹، ۶۰.
- (۱۶) «کلیمکایت» ۱۹۹۵م: ۱۱-۲۰
- (۱۷) «میشالیز» ۱۹۹۸م
- (۱۸) «وخ» ۱۹۲۴م: ۲۱
- (۱۹) مقایسه با «کلیمکایت» ۱۹۹۷م، جلد مجموعه جلسه «دی. فاو. ار. گی» ۱۹۹۵م و بدینوسیله بحثهای زمانی درمورد موضوع «مقایسه مذاهب»
- (۲۰) «ویسنر» ۱۹۹۴: ۷۵ نمونه مساوی درینجا همچنان تساوی مذهبی تکرار می یابد بطور مثال در اثر «هیردر». توجه وده همچنان به «دونخر او. جی.» : ۳۰
- (۲۱) مقایسه «فان در لییوف» : ۷۴ اف. ۱۰۹ # ۱۹۷۷م
- (۲۲) «شترمایر» ۱۹۹۱: ۷۰ : «زخاو» ۱۸۸۷م: ۵۵
- (۲۳) «آ. گیرتس» ۱۹۹۷م: ۵۳-۷۰. مروری بر تحقیقات تازه تاریخی «بورکه» ۲۰۰۵م: ۴۹. بعنوان مثال این ه اصلاح تاریخت نوین. یا. ای بی دی. ۱۱۲ اف. اف. در رابطه درک تشکل سازی و ساختارهای تاریخی وسیله مؤرخین. همچنان مراجعه شود به مجزا از اسناد علمی تاریخی به بیانات- «راینموت» ۱۹۹۸م: اف. ۶-۱۱، که خود را همچنان، «بعدازمیت گرائی»، تاریخ نویسی را مکلف می داند.
- (۲۴) مقایسه با «زخاو» ۱۸۸۷م، ۹-۱۳، بیس. ۹
- (۲۵) «زندرمایر» : ۲۰۹ اف ۱۹۹۹م
- (۲۶) «کنوبلاوخ» ۲۰۰۳م: ۳۲: «پیخولی-اولگیاتی» : ۴۱-۵۲ : ۲۰۰۸م «باینهور-کوهرل» : ۳-۱۱ : ۲۰۰۸م
- (۲۷) یک «بیبلیوگرافی» چنین آثار را «مونوت» ۱۹۸۶م طبع نموده است.
- (۲۸) مقایه با «کوهرل» ۱۹۹۴م: ۶۲-۱۱
- (۲۹) هم علمای الهیات عیسوی و هم اسلامی به «دسیپلین» های جداگانه تقسیم گردیده اند. همانند با علم الهیات «سیستماتیک» باید درینجا بطور دقیق از نماینده «کلام» «بحث» سخن بزیان آورد. گروهی که در مرکز ثقل آن تعصب اسلامی موضوع تحت مطالعه و تحقیق را تشکیل می دهد، تلاش صورت می گیرد تا علم عقیدت و اندیشه منطقی را در هماهنگی آورند. انطوری که در همانگی سیستماتیک علم الهیات وجود دارد، در آن جا پیوست و هماهنگی فلسفی، در حال حاضر کاملاً با عنعنات اروپائی مطابقت نشان می دهد، بطور نمونه درین رابطه به عالم الهیات ترکی «کراپینز» ۲۰۰۵م: ۱-۴۴ مراجعه شود.
- (۳۰) مقایسه «سی. گیرتس» ۱۹۸۷م: ۲۹۰ اف: اف: میککتخون» ۱۹۹۹م: ۵۴
- منبع - «علم مذهب در قرینه علوم آسیائی... ۹۹ سال تیوری علمی مذهب و تحقیقات در بن...»، مؤلف - «منفرید هوتز»، سال ۲۰۱۰م

